

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

پدين بوم وير زنده يك تن مياد
چو کشور نباشد تن من مياد
از آن به که کشور به دشمن دهيم
همه سر به سرتون به کشتن دهيم

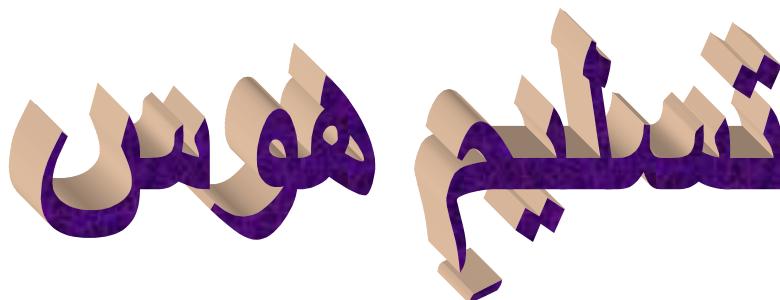
www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبي - فرهنگي

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
30 جون 2012



قادص خبر از ليلي ليلى من آورد
پيغام عجیبی، ز دلارای من آورد
گه از ه فیس بک و گهی هم زره چت
یک شب به برش ، دعوت تنهای من آورد
مجنون مرا خوانده و دیوانه لقب داد
بر غصه و غم ، امر چلیپاى من آورد
از خسرو و شیرین ، خبری ، جانب فرهاد
بس تیشه قاتل ، به تسلاى من آورد
آن قاصد گلچهره که خود دلبر ما بود
صد قیمت یوسف ، ز زلیخای من آورد

رفتم به درش ، سجده کنم قبله مقصود
حرابِ دو ابرو ، به پذیرای من آورد
مجذوب جمالش شدم و ، محو نگاهش
از گوشة لب ، ساغر و مینای من آورد
بس طعنه به قند و شکر و شیر و عسل بود
آن لحظه که پاسخ به تمنای من آورد
نعمت که به یک جرعه ای تسلیم هوس شد
لعل و گهر ، از مستی دریای من آورد
یکبار ، تکان خورده و از خواب ، پریدم
ساعت خبر از طاعتِ مولای من آورد
«نعمت» ! اثری بود ، ز لحن نمکینش
نوری که دم صبح ، به احیای من آورد

(نعمت الله مختارزاده – شهر اسن، 27 جون 2012)